

گوناگون

نیاوران میزبان «شهر سفالی صلح»



● **شرق:** نمایشگاه مجموعه آثار سفالی محسن رامه با عنوان شهر سفالی صلح، در گالری شماره ۲ فرهنگ سرای نیاوران برپا شد. ۱۲ تابلو نصب‌شده روی دیوار این نمایشگاه که هرکدام عکس اجزای سازنده این شهر را به‌طور جداگانه نمایش می‌دهند، در کنار ماکت اصلی این شهر سفالی، امکان بررسی جزءبه‌جزء این سازه را در اختیار بیننده قرار می‌دهد. در کنار هر تابلو توضیحاتی درباره همان بخش از شهر نوشته شده که منظور خالق اثر از ساخت آن را به تفصیل توضیح می‌دهد. از دیدگاه محسن رامه، سازنده این آثار، «شهر سفالی صلح» آرمان شهری است که عشق بین انسان، طبیعت و همه موجودات، در آن دیده می‌شود؛ «مخاطب با دیدن آن متوجه می‌شود که انسان با رفتن به طرف صنعت چقدر از طبیعت و سرزندگی و شادی دور شده است و اینکه صنعت باعث شده همه چیزهایی که طبیعت به ما هدیه داده، به نابودی کشیده شوند.» محسن رامه در ادامه می‌افزاید: «در کنار این اثر سفالی، ۱۲ عکس در رابطه با آن نیز به نمایش گذاشته شده است. در این اثر آرمان‌شهر سفالی، عجایبی چون قفس، قفل و درخت قطع‌شده وجود دارد. ساکنان این شهر حتی برای هدررفتن آب باران نیز تلاش می‌کنند». رامه از هنرمندان حوزه تئاتر و نمایش از شهرستان سمنان است. او که متولد سال ۱۳۶۰ است، علاوه بر سفال و مجسمه‌سازی، دستی بر موسیقی و به‌ویژه آواز ایرانی دارد.

واکنش انجمن هنرمندان نقاش

● **شرق:** هیات‌مدیره انجمن هنرمندان نقاش ایران درباره وقایع چهار ماه اخیر هنرهای تجسمی بیابیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه آمده است: **هجمه یی سابقه به ساخت هنرهای تجسمی و وظایف وزارت ارشاد در قبال هنرمندان:** در چهار ماه اخیر هجمه‌ای غیرمنطقی، غیرکارشناسانه و توهین‌آمیز از سوی برخی سایت‌های سیاسی نسبت به نمایش آثار در گالری‌ها صورت گرفته که حتی منجر به دخالت پلیس و دستگیری هنرمند و گالری‌دار شده است. سؤال ما این است که احراز مجرمانه‌بودن اثر هنری برعهده کدام نهاد است؟ این هجمه ناگهانی به دلیل عدم حمایت وزارت ارشاد از هنرمند و گالری‌دار همچنان ادامه دارد و این سؤال را برمی‌انگیزد که چراوزارت ارشاد و معاونت هنر ی آن درباره اتفاقات پیش‌آمده در حوزه تجسمی و پیشامدهای آن سکوت می‌کنند.

جستی نقش موزه هنرهای معاصر تهران:مورد مهم بعدی اتفاقات عجیبی است که در موزه هنرهای معاصر تهران برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود مثل برگزاری نكوداشتی که به‌راحتی می‌توانست در یک فرهنگ‌سرا یا گالری اجرا شود، یا برپایی نمایشگاه انفرادی عکس که سؤال‌های بسیاری را برای اهالی تجسمی به وجود آورده است. چرا موزه با برپایی نمایشگاه‌های انفرادی از هنرمندانی تجلیل می‌کند که در تاریخ هنر ایران از جایگاه مهمی برخوردار نیستند؟ آیا موزه قرار است استعدادیابی کند؟ آیا جامعه هنری و مردم نباید بدانند که سیاست‌های موزه درباره نمایش آثار در مکانی که متعلق به آنهاست چیست؟ «موزه» تعریف مشخصی دارد؛ جای کلانی است و برای ایفای نقشش محتاج به سیاست‌گذاری‌های کلان است. ما واقعا و صمیمانه مایلیم بدانیم که سیاست‌های موزه دراین‌باره چیست؟ دلائل تحلیلی و کارشناسی‌شده برای اخذ این سیاست‌ها کدامند؟ مشاوران موزه در این زمینه چه کسانی هستند؟ و اگر اصولا نظرات تخصصی دیگران برای مدیر موزه اهمیت دارد، چگونه می‌خواهد از نظرات مشورنی دایره بزرگ‌تری از صاحب‌نظران استفاده کند؟

ارسال آثار موزه هنرهای معاصر تهران به خارج: در ادامه معمای فهرست اموال کنجینه که هنوز از طرف مدیریت موزه حل‌نشده باقی مانده است، ماجرای ارسال آثار موزه به خارج از کشور نگرانی‌های مضاعف و جدای از برای اهالی تجسمی کشور فراهم آورده است و متأسفانه همه این‌ها ریشه در عدم شفاف‌سازی مدیریت موزه دارد. معلوم نیست این پنهان‌کاری‌ها تا کی قرار است ادامه یابد. چرا فهرست این آثار اعلام نمی‌شود و مسئله ارسال آنها در جلسه مشترکی میان هنرمندان مهم و مطرح و اعضای انجمن‌های فرهنگی و هنری کشور طرح نمی‌شود و تنها به انتشار اخبار آن از طریق خبرگزاری‌ها بسنده می‌شود؟ چه تضمینی وجود دارد که این آثار اصلا فکر نمی‌کنیم به کشور بازگردند؟ چه تضمینی وجود دارد که این آثار بالا یا برای یک دادگاه خارجی به نفع کشورهای دیگر صادره نشوند؟ مگر این بلا بارها و بارها بر سر اموال ایران در خارج از کشور نیامده است؟ پس چرا مدیریت موزه در شرایط و روابط کنونی منطقی‌ای و بین‌المللی دارد دست به چنین قمار بزرگی می‌زند؟ و در این قمار بزرگ قرار است چه چیزی عاید چه کسی بشود؟ با وجود این همه ابهامات در این مسئله آیا سوالات و نگرانی‌های جامعه هنری درباره ارسال آثار موزه به خارج از کشور غیرمنطقی هستند؟ ما این‌طور فکر نمی‌کنیم. هیات‌مدیره انجمن هنرمندان نقاش ایران انتظار دارد برخلاف بیانیه‌های قبل که بی‌جواب مانده‌اند، این بار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سؤال‌های هنرمندان هنرهای تجسمی کشور را پاسخ داده و نسبت به فضای هنرهای تجسمی احساس مسئولیت کند.

دیگر عادت کرده‌ایم که فیلم‌های اصغر فرهادی در داخل کشور با حواشی همراه شوند. درواقع همان‌قدر که متن فیلم‌ها مهند، حاشیه‌ها هم ترسیم‌کننده بخشی از اجتماع ما هستند که خواه‌ناخواه جلوه‌گری می‌کنند. «فروشنده» قبل از اکران عمومی‌اش در ایران، رکورددار شد؛ اینکه نخستین فیلمی در تاریخ سینمای ایران است که هنوز از تئور درنیامده، مورد تحلیل‌های فرامنتی قرار گرفت و مخالفان در نگوهش داستان فیلم، تعدادی تند تئار فیلم و سازنده‌اش کرده‌اند... و چه حرف‌هایی که مسلمان نشنود، کافر نبیند! در نخستین روز اکران فیلم هم کله‌صبح؛ یعنی ساعت ۶:۴۵ فیلم شروع شد و در همان روز نخست و دوم رکورد فروش سینمای ایران را شکست؛ یعنی ۶۰۰ میلیون تومان. تازه برخی خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند که بازار سیاه بلیت سینماهای این فیلم هم دا شده؛ حتی اینا در گزارشی اعلام کرد که بلیت‌ها تا سقف ۳۰هزارتومان هم به فروش رسیدند! جدا از اینکه اصلا در کشورمان سایر کالاهای مرغوب هم بازار سیاه قیمت دارند. این مسئله در عرصه هنر هم کمی سؤال‌برانگیز به نظر می‌رسد، هرچند که جدید هم نیست! مثل بازار سیاه بلیت‌های کنسرت استاد محمدرضا شجریان یا بازار سیاه بلیت‌های فیلم مناقشه‌برانگیز «مارمولک». تازه فیلم کمال تبریزی از نظر برخی‌ها، از خط قرمزا هم عبور کرده بود! حالا بگذریم که بالاخره عاقبت‌بخیر شد! اما در همان زمان هم آن‌قدر فیلم طرفدار پیدا کرده بود که بلیت‌های فیلم بازار قاچاقچیان و سودجویان را پررونق کرد. اما چرا باید چنین اتفاقی در کشورمان بیفتد؟ چرا هرچه مرغوب‌تر، دسترسی به آن پرهزینه‌تر می‌شود؟ آیا این

اصغر همت، بازیگر و مدیرعامل خانه تئاتر است و از دوشنبه ۱۵ شهریور در تالار سنگلج نقش مردی را بازی می‌کند که برای تئاتر ایران نامی آشنا و بسیار تأثیرگذار است؛ عبدالحسین نوشین که در یک نمایش تک‌نفره با اصغر همت روی سن می‌رود و این‌ برای تئاتر ما یک اتفاق نادر است؛ چون این نام و شخصیت پس از سال‌ها از محاق درآمده و درخشش آن در صحنه نشان‌دهنده بخش حساسی از تئاتر و سیاست زمانه معاصر است، با او دربارۀ نمایش پرتره مرد ریخته به نویسندگی و کارگردانی غلامحسین دولت‌آبادی و آراز با رسیقیان گفت‌وگو کرده‌ایم.

نمایش پرتره مرد ریخته درباره چیست؟

درباره عبدالحسین‌خان نوشین از بنیان‌گذاران تئاتر نوین ایران است که در پرده اول یک ساعت پیش از خروج از تهران در سال ۱۳۳۱ و در پرده دوم زندگی‌اش قبل از مرگ در مسکو را خواهیم دید. **چا بنابراین دو پرده دارد. می‌خواهم بدانم به کدام وجه سیاسی و هنری‌اش پرداخته‌اید؟**

یک پرداخت کلی درباره اوست. یک واوکوی درباره شخصیت نوشین را روایت می‌کنیم که همه زمینه‌های زندگی‌اش را دربر خواهد گرفت. در پرده اول ساعتی پیش از آن است که او را از مخفیگاهش در تهران برپند و از دوران نوجوانی‌اش می‌گوید؛ از آشنایی‌اش با تئاتر و موسیقی می‌گوید و اینکه چطور شد او را با اولین گروه دانش‌آموزان به پاریس می‌فرستند. همچنین درباره این است که سیاست او را نابود کرده است. **یعنی چنین موضعی دارد؟**

بله، چون سیاست او را از هنر دور کرده؛ چراکه او استعدادی بوده که از رسیدن به مراحل بهتر بازمانده است. **چطور متن را برای کارکردن مناسب دیدید؟**

اول اینکه پیش و پس از انقلاب سال‌ها بود که نمی‌شد درباره عبدالحسین‌خان نوشین صحبت کرد و حالا این فرصت فراهم شده و من هم دیدم برای پرداختن به او فرصت خوبی است. با آنکه فرصت ایده‌آلی برای کار نداشتم و باید زمانم را برای تئاتر و بودن در خانه تئاتر تقسیم می‌کردم، اما نتواستم این

بازار داغ بلیت‌های قاچاق فیلم «فروشنده»

مشتریان نجومی «فروشنده»

فرانک آرتا



جریان حکایت «برف به کوه نشست و عزیز شد» را تداعی می‌کند؟

ایسن موضوع را با محمدرضا فرجی، مدیرکل سینمای حرفه‌ای سازمان سینمایی، در میان گذاشتیم. واکنش او چنین بود: «ما فقط مصوبات شورای صنفی نمایش را قبول داریم. طبق مصوبه، قیمت

اصغر همت، بازیگر «پرتره مرد ریخته»

فرصتی برای «نوشین» شدن

رضا آشفته

فرصت را از دست بدهم و دوم اینکه می‌خواستم با دو

چوان کارکنم که دغدغه‌شان تئاتر است.

❧ **فکری می‌کنم این‌ نمایش دو سال پیش می‌خواستید در تئاتر فجر کار شود.** اما در بازبینی رد شد، علتش چه بوده است؟

وقتی اجرا شروع شود، بهتر دراین‌باره می‌شود حرف زد؛ چون خودم هم نمی‌دانم چرا باید ردش کنند و در آن زمان هم مقاله‌ای نوشته‌ام و باید پس از اجرا معلوم شود که چرا دبیر و بازیبن‌ها کار را رد کرده‌اند. برایم خودم هم جالب است که بدانم؛ چون تا این لحظه نمی‌دانم.

❧ **با توجه به تک‌نفره‌بودن و اینکه تقریبا همه اجرای نمایش یر دوش بازیگر است، باید از تمهیداتی برای نگه‌داشتن تماشاگران استفاده کرده باشید.**

بله، سعی کرده‌ام از آنچه در عمرم و این چند ساله تجربه کرده‌ام، استفاده کنم که اتفاق خوبی در صحنه بیفتد و البته برای خودم برخی چیزها مهم است؛ به‌ویژه اینکه تماشاگران این روزها عادت کرده‌اند درواقع آتراکسیون و شکل دیگری از تئاتر را ببینند و کار جدی با تمام ابعادش کمتر به صحنه آورده می‌شود و فکر نمی‌کنم چنین تماشاگران بدعادت‌سی از این کار استقبال کنند.

❧ **بنابراین کارتنان برای جلب رضایت این نوع تماشاگران سخت‌تر می‌شود.**

نه، این‌طور نیست؛ چون من کارم را کرده‌ام.

❧ **چرا در سنگلج کار را به**

بازار داغ بلیت‌های قاچاق فیلم «فروشنده»

هنر

گفت: «خب این مسئله دیگر به تخلفات اجتماعی مربوط می‌شود. البته به نظرم برخی از این مسائل بیشتر برای تبلیغ و گرم‌کردن بازار است، ولی در نهایت نیروی انتظامی باید با آنها برخورد کند؛ مثل بلیت‌های نجومی که به طور قاچاق در بازی‌های فوتبالت در مقابل باشگاه‌ها شاهدش هستیم». اما ظاهرا برخی از فرصت‌طلبان دیده‌اند که مردم علاقه‌مند به دیدن فیلم هستند و البته نقد دلواپسان به فیلم که «بی‌غیرتی» و «دیانت» را به‌مثابه کدی به فیلم سنجاق کردند کمک کرد تا فضایی پرتالهاب به‌وجود آورد و همین‌طور موفقیت‌های فیلم باعث شد بلیت‌ها را به قیمت دوبرابر به مردم بفروشند و طبعاً کسی هم که علاقه‌مند است حتما خریداری می‌کند. قبل از اکران فیلم هم بالارفتن قیمت بلیت‌ها موضوع حساسی بود که با واکنش اصغر فرهادی مواجه شد و صراحتاً عنوان کرد که «به‌هیچ‌عنوان راضی نیست که قیمت بلیت‌های فیلم بالا برود». اما در زمان اکران به قول تابناک، «ظاهرا این بلیت‌ها با توجه به روز و ساعت اکران بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان در بازار سیاه خریدوفروش شده‌اند. درواقع اگرچه در افتتاحیه «فروشنده»، ۲۶۰ میلیون تومان از کیشه‌های سینمای ایران بلیت خریداری شد، اما درواقع این رقم با درنظرگرفتن میزان تبادل مالی فروش دوباره همین بلیت‌ها در بازار آزاد، میلیون‌ها تومان بیشتر است».واقعیت این است که دلیل بازار سیاه هرچه باشد، خریداری بلیت‌ها با قیمت‌های نجومی از سوی مخاطبان گردش این حلقه را کامل می‌کند و به نظر می‌رسد از این‌ به‌بعد به‌ناچار باید منتظر دخالت «ستاد مقابله با کالاهای قاچاق» در سینما هم باشیم...

پیش نمی‌آمد، شاید او هم به سمت تئاتر ملی می‌آمد. هر چند از زندان قصر برای چند نمایش‌نامه میزانشن فرستاده و به نام لرتا کارهایی را به صحنه آورده است؛ اما از این دوره دیگر از چرخه تئاتر ما بیرون مانده است. **❧ آیا فضای کارتان خالی است؟**

نه، خالی نیست. دو اتاق کوچک به مثابه زندان در صحنه وجود دارد. او از زندان قصر بیرون می‌آید و زندان‌های دیگری در انتظارش است.

موسیقی هم دارید؟

بله، پرده اول مفصل‌های اصلی‌اش براساس موسیقی است؛ اما در پرده دوم موسیقی نداریم و حتی خودش هم می‌گوید در مسکو شرایطی فراهم می‌شود که عادت به موسیقی‌گوش‌دادن را هم از او می‌گیرد. اگرچه یک رادیو در صحنه دردم و اگر تماشاگری بپرسد که چرا توراودی داری؟ در جوابش خواهد گفت؛ این رادیو آنچه دلش می‌خواهد پخش می‌کند و بعد موج‌هایی را می‌گیرد و مد نظر حاکمیت را پخش می‌کند. یک فضای غم‌بار که بسیار هم نوستالژیک است و تعیین‌کننده؛ چون اگر مردی با همه عظمت و بزرگی‌اش در عالم هنر به‌اشتباه وارد فضای سیاسی و در آن کانالیزه بشود، همه اقتدار و هنرش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این هنر به پروپاگاندا آلوده است و هنرمند و شخصیتش را هم آلوده خواهد کرد. هنر فقط در خدمت بشریت است و لاغیر؛ چون این‌گونه هنر ارزشش را از دست خواهد داد، اگر بخواهد تبلیغاتی باشد.

❧ **می‌دانیم نوشین آنچه اجرا کرده فقط ابعاد سیاسی نداشته است و جنبه‌های هنری هم داشته است؟**

از شخصیت حقیقی او سوااستفاده شده است و به عنوان فرد مطرح در عالم هنر به او نگاه شده است؛ البته او خروس سحر را با همین نیت پروپاگاندا نوشته است. **❧ چه توصیه‌ای به تماشاگران این نمایش دارید؟**

تماشاگری که به تاریخ-مملکتش علاقه دارد،

برای دیدن این نمایش بیاید و این‌گونه گریزی به تاریخ

صد ساله‌اش بزند و مسروری بر گوشه‌ای از این ۸۰،

۹۰ سال بکند. این کار بیشتر با تفکر سروکار دارد تا

خوش‌آمدن‌های ظاهری.

زیر آسمان فیروزهای

بارسال پیام تصویری

«بنی‌اعتماد» کنفرانس زنان فیلم‌ساز جهان را افتتاح می‌کند



● **شرق:** دوره جدید کنفرانس پژوهشی زنان فیلم‌ساز جهان با پیام تصویری رخشان بنی‌اعتماد در شهر مونترال کانادا افتتاح می‌شود. به شهرهای لندن، رم و نیویورک با رویکردهای مختلف از جمله «سینمای معاصر زنان، فیلم‌نامه‌های جهانی، مفاهیم بین‌المللی» و «سینمای جهانی زنان، تفاوت‌های فرهنگی، مفاهیم جهانی» برگزار شده بود و امسال با رویکرد «زنان، فرهنگ سینما و جهانی‌شدن» برگزار خواهد شد. این کنفرانس که امروز (دوم سپتامبر) در دانشکده هنرهای تصویری دانشگاه کنکوردیا افتتاح می‌شود تا روز چهارم سپتامبر ادامه خواهد داشت. از جمله عناوین میزگردهای این کنفرانس می‌توان به «جنسیت، مکان، هویت»، «سینمای کشف‌نشده زنان»، «سینمای زنان در بافت بین‌المللی»، «بازاندیشی درباره ستاره‌های زن سینما در قاب فعالیت‌های بین‌المللی»، «زنان مؤلف سینما» و «زنان، هویت و جنسواره‌های فیلم» اشاره کرد. سمیه قاضی‌زاده، پژوهشگر و روزنامه‌نگار در این دوره با مقاله «مترجم دردها، نگاهی به فیلم‌های مستند رخشان بنی‌اعتماد» در این کنفرانس حضور دارد. کنفرانس زنان دوم تا چهارم سپتامبر در دانشگاه کنکوردیای مونترال کانادا برگزار می‌شود.

حمید یزدان‌پناه درگذشت

● **حمید یزدان‌پناه،** شاعر و مترجم، بعدازظهر پنجشنبه ۱۱ شهریور درگذشت. یزدان‌پناه ترجمه آثار برخی نویسندگان سرشناس دنیا ازجمله «میکل آنخل استورایس»، «جوئیس کارول اوتس» و «یوسا» را در کارنامه خود داشت. او همچنین آثاری چون «به خاتون خیابان شماره ۶۶»، «تالیف کرده‌ام»، «از جمله آثار این شاعر و مترجم می‌توان از «راهی به سوی بهشت»، «الیزابت کاسلتو»، «یادداشت‌های سال بد»، «دیوانگی»، «جانورها» و «امینا» نام برد.

۲۸ شهریور؛ جشن منتقدان

● **شرق:** دهمین جشن بزرگ انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران ساعت ۱۷ روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه در مرکز آفرینش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران برگزار می‌شود. دهمین دوره جشن بزرگ انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران قرار بود در تاریخ سه‌شنبه نهم شهریورماه برگزار شود، اما به دلیل درگذشت استاد داوود رشیدی و هم‌زمانی این مراسم با مراسم یادآور هنرمند ارزنده، انجمن منتقدان به پاس احترام به بزرگ هنرمند عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون تاریخ جشن را تغییر داد. در دهمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران، تندیس بهترین‌های جشنواره فیلم فجر که از سوی آکادمی منتقدان و نویسندگان سینمایی انتخاب شده‌اند، اهدا خواهد شد. همچنین بهترین‌های جشنواره مستند «سینما-حقیقت» و بهترین فیلم‌های کوتاه نیز معرفی می‌شوند. در این جشن جوایز بهترین‌های چهارمین جشنواره نوشتار سینمایی هم اهدا شده و سه چهره منتقد و سینماگر مورد تجلیل قرار می‌گیرند. دبیری این جشن را کیوان کثیریان برعهده دارد.

تجلیل در «رمز موفقیت»

● **شرق:** سازندگان مجموعه برنامه تلویزیونی «رمز موفقیت»، دومین جشنواره خود را با تجلیل از چهره‌های موفق و ماندگار در حوزه‌های مختلف برگزار می‌کنند. سال گذشته برنامه تلویزیونی «رمز موفقیت» با ساختار ترکیبی و اجتماعی به ۶۰ قسمت ۴۰دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی یلدا اسفندیاری، از شبکه «شما» با موضوع الگوسازی برای جوانان روی آنتن رفت و با استقبال بسیاری مواجه شد. این برنامه با هدف معرفی افراد موفق و نمایش الگوهای مناسب در زمینه‌های مختلف از جمله اجتماعی، علمی، فرهنگی و... با بیان رموز و راه‌های موفقیت آنها در عرصه‌های مختلف، افرادی که به راستی نتوانسته‌اند مسیر موفقیت را بگذرانند و به اهداف تعریف‌شده در ذهنشان برسند و به نوعی شعار خواستن، توانستن است را به ظهور برسانند، برای ایرانیان و به‌ویژه جوانان روی آنتن رفت. پس از آن اتاق فکر این برنامه تلویزیونی در قالب جشنواره‌ای با نام «رمز موفقیت» از میهمانان حاضرشده در این برنامه، تجلیل کردند که ازجمله آنها می‌توان به زنده‌یاد جواد لشکری، استاد موسیقی، منوچهر والی‌زاده، دویلور بینکستون، نصراله ضرغام، محسن قریب و... اشاره کرد. حال قرار است از شبکه جهانی «جام‌جم» پخش شود، دومین جشنواره «رمز موفقیت» با تجلیل از چهره‌های موفق دیگر در عرصه‌های گوناگون برگزار خواهد شد. اختتامیه این جشنواره روز جمعه ۲۶ شهریور با حضور ستولان و چهره‌ها در سالن همایش‌های صداوسیما برگزار شده و جزئیات آن نیز در نشست مطبوعاتی برای اهالی رسانه، تشریح خواهد شد.



درودی با تأکید بر اینکه برای هنرمندبودن باید عاشق بود، یادآوری کرد: «وقتی در ۳۳سالگی آثارم در مهم‌ترین مطبوعات دنیا به چاپ رسید، آرزو کردم روزی آنها را به ملتم تقدیم کنم و امروز پس از ۴۷ سال بسیار خوشحالم، چراکه پس از سال‌ها تلاش، به آرزوی خودم رسیدم و امیدوارم روزی همه مثل من به آرزویشان برسند. من به ایرانی‌بودنم افتخار می‌کنم و این را آموختم‌ام که تا چه اندازه ارزشم به‌عنوان یک ایرانی مهم است. من به تاریخ چندین‌هزار ساله تکیه کرده‌ام و براساس این تاریخ ادعا می‌کنم هنرمند هستم و سرپا ایستاده‌ام». درحالی‌که گونه‌های درودی از اشکِ شوق، تر